Comparative Re-examination of the Obligation of Prostration on Earth in Mandatory Prayer

Muhammad Imami[1]

Abstract

Sujūd (Prostration) is one of the obligatory components of ṣalāt (Prayer), recognized by all Islamic schools of jurisprudence as a ritual act with specific conditions. However, there is a divergence of opinion regarding the characteristics of the surface upon which the forehead must rest. The fatwā of the jurists of the ahl al-bayt school stipulates that the sujūd must be performed directly on al-arḍ (the earth) or on nabāt (vegetation) growing from it, provided that the surface is neither ta'kul (edible) nor libās (wearable). In contrast, jurists of other schools consider al-arḍ as the place of sujūd regardless of whether it is the bare earth itself or sajjāda (carpets) and other objects placed upon it.

This discrepancy often raises questions, particularly for worshippers in Two Holy Sanctuaries, as to why the Shite use a miṣbāḥa (prayer stone/mohr). Consequently, this article employs a comparative and analytical methodology, relying on Islamic texts—particularly those transmitted through Sunni sources—to investigate this issue. The study concludes that while the miṣbāḥa itself holds no independent ontological status, the forehead must rest directly on al-arḍ itself.

Implications: Beyond its jurisprudential significance, this research offers a framework for resolving practical conflicts in shared sacred spaces. By clarifying the ontological distinction between the miṣbāḥa and the al-arḍ, the findings aim to foster mutual understanding and reduce sectarian friction among Muslims, thereby promoting religious tolerance and unity without compromising doctrinal integrity.

Keywords: prostration, earth, obligatory Prayer, sujūd, Turbah.

[1] Associate professor, Department of Jurisprudence and fundamentals of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: dr.imami@Razavi.ac.ir

باز پژوهی تطبیقی وجوب سجده بر خاک در نماز واجب

محمد امامی[1]

چکیده

سجده در تمامی مذاهب اسلامی یکی از ارکان نماز و دارای شرایط خاصی است، اما در مورد ویژگی محل قرارگیری پیشانی در سجده، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای مکتب اهل بیت (ع) بر این باورند که محل سجده باید خودِ زمین یا گیاهانی باشد که از زمین می‌رویند، به شرط آنکه خوراکی یا پوشاکی نباشند؛ به همین دلیل، در نماز واجب پیشانی خود را بر «مهر» (خاک یا سنگ مخصوص) می‌گذارند. در مقابل، فقهای سایر مذاهب اسلامی، هر سطحی را حتی فرش و اشیاء مصنوعی که روی زمین قرار گرفته‌اند، برای سجده کافی می‌دانند، هرچند برخی از آنان وجود مانع متحرک مانند گوشه عمامه را جایز نمی‌شمارند. این تفاوت فقهی، به‌ویژه برای نمازگزاران در حرمین شریفین (مسجدالحرام و مسجدالنبی)، این پرسش را ایجاد می‌کند که چرا پیروان مکتب اهل بیت (ع) از مهر استفاده می‌کنند.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی و تحلیلی و با استناد به نصوص اسلامی، به‌ویژه روایات اهل سنت، سیره پیامبر اکرم (ص) و روایات وارده از سوی اهل بیت (ع)، به بررسی این مسئله پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند خودِ مهر به عنوان «مسجد» (محل سجده) موضوعیت مستقلی ندارد، اما اصل شرط بودن «خودِ زمین» یا آنچه به صورت طبیعی از آن می‌روید، برای محل سجده بر اساس روایات صحیح، سیره پیامبر (ص) و صحابه، و نیز شواهد و قرائن موجود، ثابت و محرز است. بنابراین، قرار دادن پیشانی بر اشیاء مصنوعی که روی زمین قرار گرفته‌اند، کفایت نمی‌کند و تماس مستقیم پیشانی با خودِ زمین یا رویيدنی‌های طبیعی آن شرط است.

کلیدواژه‌ها: محل سجده، شرطیت زمین، مهر سجده، پیشانی، ما یصح السجود علیه .

نسخه پیش از انتشار اناوردراسته

[1]. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: dr.imami@razavi.ac.ir

مقدمه

یکی از اجزاء واجب بلکه رکن نماز سجده و اخلال به آن موجب بطلان نماز است. صاحب جواهر می فرماید، " سجده در نماز واجب است به اجماع اگر از ضروریات دین نباشد. بلکه در هر رکعت دو سجده واجب است و آن دو باهم رکن نماز هستند.(نجفی ، ۱۳۶۵ش ، ج۱۰، ص ۱۲۷ .) فقهای مذاهب دیگر اسلامی نیز قائل به وجوب آن هستند. ابن قدامه می گوید : " اما سجده به دلیل نص و اجماع واجب است" (نک. نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۲۰.)

این رکن همانند سایر ارکان و افعال نماز دارای اجزاء و شرایطی است از جمله این که در هر رکعت از نماز باید دو بار سجده نمود وهنگام سجده هفت موضع از بدن(کف دو دست، نوک انگشتان ... دو پا، دو زانو و پیشانی) باید بر زمین گذاشته شود. این که پیشانی باید بر زمین نهاده شود نیز مورد اتفاق است(ابن قدامه، ۱۴۱۷،ج ۱،ص۳۷۰) شیخ طوسی در این مورد می نویسد:" قرار دادن پیشانی بر زمین در حال سجود فرض است و قرار دادن نوک بینی سنت است. شافعي ، حسن بصري ، ابن سيرين ، عطاء، طاوس، ثوري و أبو يوسف نيز همين را برگزيده اند(شیخ طوسی، ۱۴۰۷،ج ۱،ص ۳۵۵.) ، لیک در مورد لزوم تماس پیشانی با زمین ومباشرت با انچه در فقه امامیه " ما یصح السجود علیه"(حلی، ۱۴۰۸،ج ۱،ص ۶۸) نامیده می شود یا عدم لزوم رعایت چنین شرطی و در نتیجه جواز سجده بر هر چیزی که در روی زمین قرار داده شده از قبیل فرش و سجاده و کف پوش و ... در هنگام سجده، که مورد تایید مذاهب اهل سنت است، اختلاف نظر وجود دارد.

طرح مسئله

این مسئله مورد ابتلای مسلمانان بویژه پیروان مکتب اهل بیت مخصوصا هنگام اقامه نماز در حرمین شریفین است. از طرفی فقهای امامیه آن را واجب برمی شمارند و عدم رعایت آن را موجب بطلان نماز، و از دیگر سوی، اهل سنت آن را لازم نمی دانند بلکه بعضا این کار را حرام و عملی شرک آمیز می دانند..

مقاله حاضر که به شیوه تحلیلی و با استفاده از منابع اصیل اسلامی اعم از منابع تاریخی و روایی مذاهب مختلف اسلامی تدوین شده، این مسئله را به صورت تطبیقی مورد بازپژوهی قرار داده تا ضمن دستیابی به فتوای اقرب به صواب، تقریب دیدگاه مذاهب و مسلمانان در این خصوص و تبیین چرایی استفاده شیعیان از مهر صورت پذیرد.

پیشینه موضوع

این مسئله به طور سنتی در منابع فقهی تفصیلی امامیه و در منابع تفصیلی اهل سنت مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر کتب جامع فقهی بسیط که اصل سجده، شرایط و کم و کیف آن بررسی شده، شیخ طوسی در کتاب

الخلاف در حدود کمتر از یک صفحه فقط به اختلاف دیدگاه ها در این مورد اشاره نموده وبه اجماع و روایات برای اثبات نظریه امامیه استناد نموده است.علامه حلی نیز در تذکرة الفقها در حد سه سطر و بسیار مختصر به موضوع اشاره می نماید. همچنین مغنیه در الفقه علی المذاهب الخمسه از فقهای امامیه اشاره ای به فتاوای فقها در مسئله دارد. از فقهای اهل سنت نیز افرادی مانند ابن قدامه در المغنی، نووی در المهذب و جزیری در الفقه علی المذاهب الاربعه به صورت مقارنه بین اهل سنت و به صورت مختصر آن را بررسی نموده اند. اما به طور خاص و تفصیلی و به صورت تطبیقی بین تمام مذاهب کمتر مورد کنکاش قرار گرفته است. علاوه بر این، مقالاتی در این مورد به چاپ رسیده است.

۱. سبحانی و همکاران(۱۳۸۳) در " سجده بر خاک در پرتو کتاب و سنت" به بررسی این موضوع بر اساس مستندات قرآنی و روایی می پردازد که تحقیق نسبتا جامعی است اما بین دلایل قطعی دال بر نظریه مختار با شواهد و قرائن تفکیک نشده است.

۲. سلیمانی(۱۳۹۷) در مقاله همایشی "ما یصح السجود از دیدگاه شیعه و اهل سنت" نیز به روایات پیامبر اکرم و ائمه، سیره انان و صحابه استناد نموده برای اثبات لزوم سجده بر خاک.

۳. داوری (۱۴۰۳) در" ما یصح السجود" به طور مبسوط این بحث را مطرح نموده و دلایل فقهای اهل بیت مبنی بر لزوم سجده بر زمین را به بحث گذارده است.

هرچند آثار پیش گفته از نظر علمی شایان و مفید هستند، جای یک پژوهش از نظر مذاهب اسلامی به تفکیک روایات و مستنداتی که دلیل برای هریک از اقوال است و نیز روایات و مستنداتی که در حد یک قرینه و شاهد کارایی دارد ونیز بررسی امکان جمع عرفی بین روایات مختلف خالی است که مقاله پیش رو در نظر دارد این خلل را پر نمایدتا گامی جدید در زمینه پیشرفت مطالعات فقهی و نیز در زمینه تقریب بین مذاهب اسلامی باشد.

مفهوم شناسی

سجود در لغت بمعنی تذلّل، خضوع و اظهار فروتنی است(راغب اصفهانی،بیتا،ص۳۹۶؛ طریحی، ۱۴۰۸ق،ج۳، ص۶۲) و در اصطلاح فقهی **سَجْدَه** (به فتح سین و سکون جیم وفتح دال) به مفهوم " گذاشتن پیشانی بر زمین " است. دانشمندان اسلامی ان را به معنای خضوع می دانند: (رملی شافعی ، ج۲، ص ۴۲). سجده به معنای نهادن پیشانی بر زمین است و خضوعی بالاتر از آن نیست. در قرآن کریم این عمل از اوصاف مؤمنان شمرده شده می فرماید: " نشان سجده بر چهره های مومنان نمایان است".(فتح:۲۹) سعید بن جبیر و مالک تصریح کرده اند که : این آیه در

نسخه پیش از انتشار اولیه

باره کسانی است که در حال سجود پیشانی شان را بر زمین می گذارند.(قرطبی،۱۳۸۷،ج۱۶، ص ۲۹۳.)عکرمه نیز گفته منظور از " اثر السجود" در این آیه اثر خاک است(طبری ، ۱۹۸۸م، ج۱۳، ص ۱۱۲) .

نظریه عدم لزوم مباشرت سجده بر خاک

درعبارت فقهای مذاهب و نیز در روایات، سجده بر ارض آمده است مثلاً نووی از فقهای شافعی در کتاب المجموع فرعی با عنوان دیدگاه علما در مورد قرار دادن پیشانی و بینی بر زمین تدوین می کند (نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۲۴ .) ولکن آنها ارض را اعّم از زمین و آنچه بر روی آن قرار دارد مانند فرش و البسه و . . . می دانند. ا تفسیراکثر فقهای اهل سنت از زمین، اعم از خود زمین و چیزی است که بر روی آن نهاده شده است و سجده بر تمام آنها را تجویز نموده اند. (همان) .ابن قدامه حنبلی می گوید : "مباشرت هیچ یک از اعضای سجده بر زمین لازم نیست چنانکه قاضی می گوید سجده بر گوشه عمامه صحیح است "(ابن قدامة، ۱۳۸۸هـ ج۱، ص ۳۷۱) در اینجا ابن قدامه سجده بر گوشه عمامه و لباس را از باب عدم لزوم مباشرت عضو با زمین صحیح دانسته است. چنان که جزیری با اشاره به این مطلب می گویند : " به اتفاق سه مذهب از مذاهب فقهی اگر پیشانی را بر روی آنچه پوشیده یا با خود همراه دارد قرار دهد ضرری وارد نمی شود. "(جزیری، بیتا، ج۱، ص ۲۲۲.) مالک و ابوحنیفه نیز سجده بر گوشه لباس و آنچه را انسان نمازگذار با خود حمل می‌کند، جایز می دانند.(ابن قدامة، ۱۳۸۸هـ ، ج۱، ص ۳۷۱ .)

دلایل عدم لزوم مباشرت

دلیل این قول سه روایت است، که دلالت بر جواز فاصله بین پیشانی و محلی که پیشانی بر آن قرار می گیرد دارند . این روایات عبارتند از :

۱- روایت اَنَس که می گوید : " کُنا نُصَلی مَعَ الَّنبی فَیَضعُ اَحَدُنا طَرَفَ الثَوبِ مِن شِدَّهِ الحَرِ فی مَکانِ السُّجوُدِ؛ما همراه با پیامبر نماز می خواندیم پس برخی از ما به دلیل شدت گرما در محل سجده، گوشه لباس خود را بر محل سجده قرار می دادیم".(بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج۲،ص۱۵۲) در این روایت اشاره شده است که گوشه لباس بین محل سجده و پیشانی قرار گرفته و این رفتار مسلمانان در حضور پیامبر بوده و ایشان از این رفتار نهی نفرموده است. پس عدم ردع دلیل بر جواز ان تلقی شده است.

۲- روایت ثابت بن صامِت که می گوید : " پیامبر اکرم (ص) در بین بنی عبد اشهل نماز گزارد و لباسی بر خود پیچیده بودو به خاطر برودت سنگریزه ها دستهای خود را روی آن لباس قرار می داد"(ابن قدامه، ۱۴۰۵،، ج۱، ص

۳۰۵). ابن قدامه از این روایت برای اثبات عدم لزوم مباشرت برای جمیع اعضاء سجود استفاده کرده است.(ابن قدامه، ۱۴۰۵،، ج۱، ص ۳۰۵)

۳- روایت انس و ابن ابی اوفی که می گویند : " همانا پیامبر (ص) بر گوشه عمامه خود سجده نمود". (بیهقی، ۱۴۲۴ ، ج۲، ص۱۵۳)

فقهای اهل سنت از این روایات عدم لزوم مباشرت با ارض در هنگام سجده نماز را برداشت نموده اند.

نقد و بررسی:

اینک چگونگی دلالت این روایات بر عدم لزوم مباشرت سجده بر خاک از نظر سندی و دلالی مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی سندی

این احادیث حتی از دیدگاه فقهای مذاهب ضعیف هستند. نووی دلیل آن را موقوفه بودن آنها دانسته و این که سلسله این احادیث به پیامبر اکرم (ص)نمی رسند.(نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۶۱) بیهقی به تبیین ان پرداخته و می گوید در سند حدیث ابن ابی الاوفی، فاید ابوالورقاء است و در سند حدیث جابر، عمربن شمر و جابر حجفی هستند و در سند روایت انس، حسان بن سیاه است و همه اینها ضعیف و متروکند. در سند روایت ابن عباس نیز اشخاص ضعیف وجود دارند(بیهقی، ۱۴۲۴ ، ج۲،ص ۱۵۳). شوکانی نیز می گوید: سند حدیث ابن عباس ضعیف است(شوکانی، بیتا، ج۲، ص ۲۶۰). سپس نظر خود را با گفتار ابوحاتم تایید می کند که می گوید "هذا حدیث منکر" و در مورد حدیث ابی هریره می گودی : " هذا حدیث باطل ".

ابن قدامه نیز که خود قائل به جواز سجده بر گوشه عمامه است، این احادیث مخصوصا آخرین حدیث را، که صراحت بیشتری دارد و دلالت آن قوی‌تر است، بلکه فقط استدلال به آن ممکن است، ضعیف می داند و لذا ابن قدامه به حدیث اول و دوم تمسک جسته است.(ابن قدامة، ۱۳۸۸هـ، ج۱، ص ۳۷۲) به همین مضمون روایتی هم از ابی هریره نقل شده که آنهم ضعیف است. (بیهقی، ۱۴۸۱ ، ج۲، ص ۱۰۷)

بررسی دلالی روایات

۱. از نظر دلالی ، این روایات با سه چالش به صورت مشترک مواجه هستند و بعلاوه هر کدام یک چالش جدا گانه دارد. که مورد اشاره قرار می گیرد.

نسخه پیش از انتشار - بدون ویراستاری

الف) این احتمال وجود دارد، که گوشه عمامه که در مواردی پیامبر یا برخی از اصحاب بر آن سجده نموده‌اند، کوچک بوده و تمام پیشانی را نپوشانیده بوده است کما این که بر این مطلب بعضی از فقهای مذاهب نیز اشاره نموده است . شافعی در ضمن بیان فروع مختلف مربوط می گوید:" اگر بر پیشانی خود سجده کند و لباسی بر روی ان آویخته باشد اما بخشی از پیشانی با زمین تماس داشته باشد همین مقدار کافی است زیرا نماز گزار در حال سجده بخشی از پیشانی خود را به زمین چسبانده است.(شافعی، ۱۴۱۰،ج ۱،ص ۱۳۶)

ب) این کار در حرارت سوزان صحرای عربستان آنهم در اوایل ظهور اسلام بوده و ممکن است به خاطر ضرورت بوده است. شاهد بر این مدعی این که در برخی روایات است، که مسلمانان از شدت گرما هنگام سجده شکایت می کردند. بنا بر این صحت اقدام اصحاب و حتی اگر ثابت شود خود پیامبر، به استناد قاعده اضطرار است که در صورت تحقق آن هر حرامی می تواند حکم ثانویه حلیت را به خود بگیرد. بنا بر این حکم موجود در این روایات یک حکم ثانوی، موقت و متوقف بر وجود این عنوان ثانوی است نه یک حکم شرعی مولوی ثابت و همیشگی.(نک. محقق داماد، ۱۴۰۶ق،ج ۴،ص ۱۲۳)

ج) این روایات با روایات صحیح متعددی که از سجده برگوشه عمامه نهی کرده‌اند ، معارضه می نمایند و یکی از مؤیدات آن روایات صحیح موافقت آنها با اصل است؛ زیرا در صورتی که پیشانی را بر زمین قرار ندهیم در صحت نماز شک داریم و اصل عدم خلو ذمّه می باشد .(شیخ طوسی، بیتا، ج۱، ص ۳۵۷ .) البته این تعارض در سطر های بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اشکالات اختصاصی

الف) انس گوید ما پشت سر رسول خدا نماز می خواندیم و یکی از ما پیشانی خود را روی عمامه قرا می دادیم. این گزاره نه ثابت می کند، که پیامبر(ص) پیشانی خود را بر گوشه عمامه نهاده است و نه این که حضرت این کار را مورد تایید قرار داده است، زیرا معمولا آنها پشت سر حضرت اقتدا می کردند و اگر آنها پیشانی خود را بر روی عمامه گذاشته باشند، ممکن است پیامبر (ص) متوجه آن نشده باشد.

موید این مطلب روایاتی است، که وقتی پیامبر (ص)متوجه می شود شخصی بر گوشه عمامه سجده می کند، او را از این کار نهی می فرمود• صالح سبائی در این زمینه می گوید : " دیدم شخصی در مسجد کنار رسول خدا (ص)نماز می خواند، و پیشانی خود را با عمامه پوشانده که پیامبر(ص)عمامه از پیشانی آن مرد کنار زد. عیاض بن عبدالله نیز می گوید : "رسول خدا (ص)مردی را دید که بر کور عمامه (قسمت جمع‌شده و گِردِ عمامه) سجده می‌کند، پس با

دست خود اشاره کرد (و فرمود): «عمامه‌ات را بلند کن» و به سمت پیشانی‌اش اشاره نمود.(بیهقی، ۱۴۲۴، ج۲،ص ۱۵۱).

ب) روایت ثابت ارتباط به موضع پیشانی ندارد، بلکه در مورد قراردادن دستها هنگام سجده است که محل وفاق فقهای مذاهب و از جمله فقهای مکتب اهل بیت است و خارج از محل اختلاف. نیز ممکن است این روایت، قرینه باشد، بر این که اطلاق روایت انس که تمام اعضاء سجده را شامل است، حمل شود بر قرار دادن پارچه برای سایر اعضاء و نه خصوص پیشانی .

نظریه تفصیل بین مانع ثابت و سیار

شافعیه و حنابله از فقهای اهل سنت ضمن تفسیر ارض به مطلق زمین اعم از خاک و فرش و سایر مواد قرار داده شده بر آن، معتقدند سجده بر پیچ عمامه یا دستار، در صورتی که پیشانی را کاملا پوشانده باشد، اشکال دارد(نک. (جزیری، بیتا،ج۱،ص۲۲۲) بنابراین، چنانچه نمازگزار از روی علم و عمد، بر محل آشکار ومکشوف پیشانی سجده نکند، و گوشه عمامه او بین پیشانی و زمین فاصله ایجاد کند،نمازش باطل است. البته اگر عذری داشته باشد مثل اینکه جراحتی بر پیشانی اش باشد و باز کردن پانسمان آن، مشقّت زیادی داشته باشد در این صورت، سجده با دستار، صحیح است. جزیری به اختلاف فقهای مذاهب در این خصوص اشاره می کند و می گوید: : « اشکالی ندارد که پیشانی خود را بر چیزی بگذارد که پوشیدنی است یا چیزی که بر اثر حرکت (فرد) حمل می‌شود، هرچند این کار به اتفاق سه مذهب (از مذاهب چهارگانه) مکروه باشد. »(جزیری، بیتا،ج۱، ص ۲۲۲) مالک و ابوحنیفه نیز سجده بر گوشه لباس و آنچه را انسان نمازگذار با خود حمل می‌کند، جایز می دانند(ابن قدامه،۱۴۰۵، ج۱،ص ۳۰۵). علمای مکتب اهل البیت هم این را جایز نمی دانند . شیخ طوسی می فرماید : « جایز نیست سجده کردن بر چیزی که (خودْ فرذ حاملِ آن است، مانند پارچه عمامه، و گوشه رداء و آستین پیراهن »(شیخ طوسی، ۱۴۰۷،ج ۱،ص ۳۷۵). ابو اسحاق شیرازی شافعی می گوید:" پس اگر بر چیزی که حائل است و به او متصل می‌باشد سجده کند، نه بر خود پیشانی، این سجده او را کفایت نمی‌کند.(شیرازی،بیتا،ج ۱، ص ۱۴۵)

دلیل نظریه تفصیل :

به سه دلیل ممکن است برای این نظریه استناد گردد.

۱. روایات ناظر به مسجد بودن زمین. در روایت جابربن عبدالله آمده، که پیامبر اکرم(ص)فرمودند : «زمین برای من مکان سجده و تطهیر کننده گردیده است (بخاری، ۱۴۲۲،ج ۱،ص ۹۵). در حدیث ابن عمران آمده است، که پیامبر اکرم(ص)فرمودند : « وقتی سجده می کنی پیشانی ات را بر زمین قرار بده . . . »(نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۲۲) و نیز در روایت دیگر است، که : « پیشانی خود را به زمین بچسبان(نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۲۲) . در روایت رفاعه بن رافع نیز که پیامبر اکرم(ص) نماز را آموزش می داد فرمود : « صورت خود را بر زمین قرار دهد»(ابی داود، ۱۴۳۰، ج۲،ص ۱۴۴ حد.۸۵۸) که مراد از وجه پیشانی است، زیرا قراردادن صورت بر زمین برای سجده واجب نیست. در نسخه ای که بیهقی نقل کرده است نیز عبارت : « فَيُمَكِّن جَبهَتَهُ »(بیهقی،۱۴۸۱، ج۲، ص ۱۰۲) دارد . از این روایات استفاده شده است که نباید بین پیشانی و زمین به معنای مطلق آن مانعی فاصله ایجاد کند. اما از دیدگاه فرش و امثال آنها جزء زمین تلقی می شود و ایرادی ندارد.

۲. در مواردی طبق روایات پیش گفته، پیامبر اکرم (ص) با افرادی که بر مانعی از قبیل عمامه، یا لباس خود سجده کرده‌اند، برخورد نموده و آن ها را از این عمل منع نموده است(نک. بیهقی،۱۴۸۱، ج۲،ص ۱۰۲) این روایات دال بر لزوم مباشرت است چه این که اگر مباشرت واجب نبود ضرورتی نداشت پیامبر اکرم آنان را از این عمل پرهیز دهد.

۳. عمل صحابه در این مورد نیز حاکی از این است، که آنها هم لزوم مباشرت را از رفتار پیامبر (ص)برداشت نموده‌اند و لذا سعی می کردند، پیشانی خود را بر زمین قرار دهند . نافع در این مورد می گوید : «همانا ابن عمر هنگامی که سجده می کرد و عمامه بر سر داشت، عمامه را بالا می‌زد تا اینکه پیشانی خود را بر زمین بگذارد »(همان)

نقد و بررسی

۱. ظاهراً حکمت لزوم کشف پیشانی به هنگام سجده، این است که پیشانی به خاک بچسبد تا نمازگزار به نهایت خضوع و عبودیت برسد. اما این فقها کشف پیشانی را به عدم وجود حایلی که مانع از سجود شود، مانند پیچ عمامه و لایه‌های آن، منحصر کرده‌اند و به رغم آن حکمت، سجده بر فرش و سجّاده را جایز شمرده‌اند و این با حکمت کشف پیشانی به هنگام سجده و فایده آن نا سازگار است. بدین سان، این سوءال متوجه آنان است که:

نسخه پیش از انتشار

اگر سجده بر فرش و سجّاده جایز است، پس چه فرقی است بین سجده بر فرش و سجّاده با سجده بر پیچ عمامه یا دستاری که دور سر بسته شده؟

۲. این روایت با روایات دال بر الصاق پیشانی بر خاک مبتلی به معارض است و در مقام جمع بین آنها، باید گفت این ادله بوسیله دلایلی که وجود دارد مبنی بر این که پیشانی باید بر خاک و مایصح السجود نهاده شودرفع ابهام می شود و در نتیجه مراد از زمین همان زمین اصلی است یعنی خاک و آنچه از خاک می روید.

۳. احتیاط نیز موید تقدیم ادله مباشرت بر این ادله است.

نظریه وجوب سجده بر زمین

نظریه مورد اتفاق فقهای مکتب اهل البیت این است که هنگام سجده باید پیشانی را بر زمین یا آنچه از زمین می روید و پوشیدنی یا خوراکی نیست، قرار داد . آنها این حکم را واجب دانسته، قراردادن پیشانی را بر غیر آنها از قبیل خوراکی، لباس، فرش و البسه و یا استفاده از مانعی مانند پارچه و عمامه و ... بین پیشانی و زمین راغیرکافی شمرده اند .

شیخ طوسی در این باره می نویسد : " جایز نیست سجده مگر بر زمین و آنچه از زمین می روید که خوراکی و پوشیدنی نباشد "(شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ج۱، ص ۸۹ .) و نیز درکتاب خلاف می گوید : " در بین فقهای مکتب اهل البیت در این مسأله اتفاق نظر وجود دارد و این حکم اجماعی است .(شیخ طوسی، بیتا، ج ۱، ص ۳۷۵) مرحوم خوانساری نیز می گوید : " دومین رکن سجده قرار دادن پیشانی است بر آنچه سجده بر آن صحیح است از زمین و روییدنیهای آن (خوانساری، ۱۳۵۵،ج ۱ ، ص ۳۷۵) . سیره عملی پیروان این مکتب نیز از قدیم همین بوده است و نمازی را که سجده آن بر غیر زمین و آنچه از زمین می روید انجام شود کافی نمی دانند .

دلایل لزوم مباشرت

برای اثبات این که هنگام سجده لازم است پیشانی بر زمین قرار گیرد و نباید چیزی بین پیشانی و زمین وجود داشته باشد دلایل متعددی قابل استناد است.

۱.در روایاتی اشاره شده است که زمین محل سجده قرار گرفته از جمله در روایت جابربن عبدالله آمده، که پیامبر اکرم (ص) فرمودند : " زمین برای من مکان سجده و تطهیر کننده قرار گرفته است" (بخاری، ۱۴۰۷ق ، ج۱، ص ۱۱۳). در حدیث ابن عمران نیز آمده است، که پیامبر اکرم (ص) فرمود:" وقتی سجده می کنی پیشانی خود را بر زمین قرار بده. . . "(نک. نووی، بیتا، ج۳، ص ۴۲۲ .)ظاهرا مراد از ارض که محل سجده و نیز یکی از مطهرات قرار

نسخه پیش از انتشار اولیه در استا۱

گرفته خود زمین شامل خاک، سنگ، شن و ... می باشد نه فرش و پارچه و امثال اینها. به دوقرینه می توان استشهاد نمود که منظور از ارض در این روایات خود زمین است و شامل فرش و البسه و ... نیست:

الف) متبادر از کلمه ارض خود زمین می باشد، نه آنچه ما بر روی آن قرار می دهیم .

ب) در روایت اول دو چیز مورد اشاره قرار گرفته است. یکی مسجد بودن زمین و دیگری مطهر بودن آن به عنوان جایگزین وضو در مواردی مانند فقدان اب یا ضرر داشتن آب و...بر طبق نظر حنفیه(نک.حلبی، ۱۴۰۶ ه،۱، ۵۶) سرخسی از فقهای حنفیه در المبسوط می گوید:" خاک برای مسلمان طهور است" (سرخسی، ۱۴۱۴،ج ۱،ص ۱۰۶) امامیه نیز خود زمین شامل خاک و سنگ را به عنوان بدل وضو به عنوان مطهر (امام خمینی، بیتا،ج ۱،ص ۱۰۶). و یا به عنوان یکی از مطهرات می دانند(امام خمینی، بیتا،ج ۱،ص ۱۲۹). بنا بر این، یکی از مطهرات است خود زمین است نه فرش و دیگر چیزهایی که بر زمین قرار می دهیم؛ پس در فقره اول یعنی مورد سجده گاه نیز به قرینه وحدت سیاق باید خود زمین مد نظر باشد. جصاص از مفسران حنفیه در این مورد می گوید: ان ما جعله من الارض مسجداً هو الذي جعله طهوراً؛ همان چیزی را که خداوند مسجد قرار داده، همان نیز طهور است"(جصاص،۱۴۱۵،ص ۷۲۲)

ج) وجود کلمه "ترب جبهتک" در بعضی از روایات(حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱،ج ۱،ص ۲۷۱) که در دلیل بعدی مورد بررسی قرار می گیرد؛ می تواند کلمه ارض را در این دسته از روایات تفسیر نماید.

د)فلسفه سجده که همان خضوع کامل در مقابل پروردگار است فقط در صورت سجده بر خاک و خود زمین حاصل می شود.هشام بن حکم گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم بر چه‌چیز می‌توان سجده کرد و بر چه‌چیز نمی‌توان سجده کرد. امام (ع) پاسخ داد:" سجود جایز نیست مگر بر زمین یا آنچه از آن می روید بجز خوراکی و پوشاک ". سپس هشام در مورد حکمت این حکم الهی پرسید. امام(ع) پاسخ داد:" سجده نشانه‌ی خضوع در برابر خداوند است، پس سزاوار نیست که بر آنچه خوردنی یا پوشیدنی است سجده نمود، زیرا دنیاپرستان بنده‌ی خوردنی‌ها و پوشیدنی‌هایند، و سجده‌کننده در حال سجده خداوند را پرستش می‌کند، پس سزاوار نیست که در حال سجده پیشانی خود را بر چیزی بگذارند که معبود اهل دنیا و دلبستگان به آن است .(صدوق، ۱۴۱۳، ج۱،ص ۲۷۲، و حر عاملی، ۱۴۰۲ه ، ج۳،ص ۵۹۱)

۲. خالد حذاء گوید: رای النبی صهیباً یسجد کانه یتقی التراب فقال له النبی (ص)ترّب وجهک یا صهیب؛" پیامبر اکرم (ص)مشاهده فرمود که صهیب به هنگام سجود، از خاک پرهیز می کند، لذا به وی فرمود: ای صهیب، صورت خود را به خاک بمال؛(متقی هندی،بیتا،ج ۱،ص ۳۹۲) ، کنایه از این که پیشانی خود را روی خاک بگذار. این روایت

تقریبا صراحت دارد در این که محل سجده باید خاک باشد نه چیزی دیگر. آن حضرت همین امر" ترّب" را به چند نفر دیگر، من جمله ام سلمه، معاذ، رباح، افلع و غیرهم فرمود(متقی هندی، بیتا،ج۸ ، ص۱۳۱و نک. اصبهانی، ۱۴۱۹ش،ج۱،ص ۳۲۵) . از نظر سندی نیز این حدیث صحیح است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱،ج ۱،ص ۲۷۱) . از نظر دلالی نیز " ترّب " از ماده تراب به معنای خاک و به صورت صیغه امر بیان شده است و امر دلالت بر وجوب می کند. پس دال بر وجب قرار دادن صورت بر خاک است و از آنجا که در نماز قرار دادن صورت بر خاک موضوعیت ندارد منظور قرار دادن پیشانی است.

۳. ابن عباس می گوید: "هر کس هنگام سجده، بینی خود را همراه پیشانی اش بر زمین نچسباند، نمازش مجزی نیست" (هیثمی، ۱۴۱۲،ج ۲،ص ۱۲۹) . مانند همین حدیث از عکرمه نقل شده و در آن لفظ " لا صلاة" به کار رفته.(ابن قدامه،) بنا براین، اصل این است که سجده بر خاک باشد و همین هم سیره مستمر پیامبر(ص)، ائمه و اصحاب بوده است. در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(ص) آمده است که : "وَالزِق جَبهَتَکَ الارضَ"؛(هیثمی، ۱۴۱۲،ج ۲،ص ۱۲۹)؛یعنی پیشانی خود را به زمین بچسبان.

الزاق به معنای چسباندین چیزی به دیگری است بدون این که فاصله ای بین آن دو باشد. لسان العرب می گوید: " لزق الشیئ بالشیئ ای لصقه " (ابن منظور،۱۴۱۴،ج ۱۰،ص ۳۲۹) . در روایت رفاعه بن رافع نیز که پیامبر اکرم(ص) نماز را آموزش می داد فرمود : " فَیُمَکّنَ وَجهَهُ مِنَ الارضِ "(ابی داود، ۱۴۳۰، ج۱، حد ۸۵۸) همین معنا مد نظر است. نووی و ابی داود در تفسیر این عبارت می گوید: شاید هم پیامبر(ص)فرموده اند:"فَیُمکِّن جَبهَته"(نووی، ج۱، ص ۴۲۶، و ابی داود، ج۲، حد ۱۴۴ .) البته اگر کلمه وجه هم باشد، مراد پیشانی است، زیرا قراردادن صورت بر زمین برای سجده واجب نیست و آنچه واجب است، وضع پیشانی بر زمین است، گذشته از این در بعضی نسخه ها عبارت: " فَیُمَکِّن جَبهَتَهُ "(بیهقی، ۱۴۲۴ه، ج۲،ص ۱۴۷) دارد که ظهور امر در وجوب را تأکید می نماید .

در نتیجه ظاهر این روایات این است، که آنچه هنگام سجده لازم می‌باشد وضع پیشانی بر زمین است و کلمه زمین ظهور در مواد طبیعی زمین دارد، نه چیزهایی که مصنوع بشر است و بر روی آن قرار داده می شود.

قرائن ظهور ارض در خود زمین

الف) ظهور کلمه ارض در خود زمین و نه آنچه روی آن قرار داده می شود.

نسخه پیش از انتشار از دفتر استاد

ب) فلسفه سجده که همان خضوع کامل در مقابل پروردگار است فقط در صورت سجده بر خاک و خود زمین حاصل می شود چنان که در حدیث مورد اشاره از امام صادق (ع) نیز تبیین گردیده است.(نک. صدوق، ۱۴۱۳،ج ۱،ص ۲۷۲، و حر عاملی، ۱۴۰۲ه ، ج۳،ص ۵۹۱). بنا بر این تحقق این فلسفه مستلزم سجده بر خود خاک و زمین است تا خضوع کامل صدق نماید.

۴. روایات رسیده از طریق اهل بیت و فرزندان پیامبراکرم(ص)به صراحت بر این مطلب دلالت دارد، کما این که علی(ع) می‌فرماید " انسان بر توده گندم یا جو و یا بر نوعی از اشیاء خوراکی و نیز بر نان نباید سجده نماید(حر عاملی، ۱۴۰۲،ج ۳،ص ۵۹۲). در روایت اعمش از امام باقر(ع) جعفربن محمد آمده است : " سجده نمی شود جز بر زمین یا آنچه از زمین می روید جز ماکولات و پنبه و کتان" (حر عاملی، ۱۴۰۲،ج ۳،ص ۵۹۲). در روایت هشام بن حکم نیز فلسفه این حکم بیان شده که بیان آن گذشت . "(همان، ص ۵۹۱)

۵- منع پیامبر (ص) از سجده بر آنچه مانع از رسیدن پیشانی به خاک است؛ در مواردی پیامبر اکرم (ص)با افرادی که بر مانعی از قبیل عمامه، یا لباس خود سجده کرده‌اند، برخورد نموده و آن ها را از این عمل منع نموده است .(نک.بیهقی، ۱۴۲۴، ج۲،ص ۱۵۱).

۵- بی توجهی پیامبر اکرم(ص) به شکایت مسلمانان از حرارت زمین و این که سجده بر زمین سخت و دشوار است . خَبَّاب نقل می کند که: ما از شدت حرارت در پیشانی و کف دستهای خود به پیامبر اکرم (ص)گله کردیم؛ اما حضرت به آن توجه نفرمود(بیهقی، ۱۴۲۴، ج۱، ص ۶۴۴).

۶- راه حل کاهش اثر گرما در هنگام سجده؛ مسلمانان برای گریز از حرارت زیاد زمین عربستان هنگام سجده مقداری سنگ ریزه یا خاک را در مشت خود نگه داشته، تا سرد شود و سپس برای سجده آن را روی زمین قرار می‌دادندجابربن عبدالله نقل می کند که : " با پیامبر اکرم (ص) در حال نماز خواندن بودم، پس مشتی از سنگ ریزه ها را برمی داشتم تا در دستانم سرد شود که هنگام سجده آنها را روی زمین قرار داده بر آنها سجده کنم بخاطر شدت حرارت"."(نسائی، ج۱،ص ۲۰۴). اگر قرار دادن پیشانی بر زمین واجب نبود، بر لباس خود یا بر پارچه‌ای سجده می‌کردند، تا پیشانی آنها در اثر حرارت زمین عربستان ناراحت نشود .

قرائن تایید کننده این نظریه

۱- فلسفه سجده که قبلا مورد اشاره قرار گرفت

نسخه پیش از انتشار اثر در راسته

۲- سیره عملی پیامبر اکرم (ص)است بر لزوم مباشرت؛ برخی از روایات نشانگر سیره عملی پیامبر اکرم (ص)می‌باشند، از قبیل روایت وائل بن حجر که می گوید : " دیدم پیامبر اکرم (ص) را که وقتی سجده می نمود پیشانی و بینی خود را بر زمین قرار می داد "(جصاص، ۱۴۱۵، ص ۲۷۲ .) بَرَاء بن عازب نیز می گوید : " پشت سر پیامبر (ص)نماز می خواندیم . وقتی سمع الله لمن حمده می گفت هیچ یک از ما پشت خود را (برای رفتن به سجده) خم نمی‌کردیم تا اینکه پیامبر (ص)پیشانی خود را بر زمین قرار می داد "(بخاری،۱۴۲۲ ،۱ج، ص۱۶۲) در روایت ابوسعید خُدَّری نیز آمده است، که در مسجد به امامت پیامبر (ص) نماز می‌خواندیم، در حالی که باران آمد و بعد می گوید : " آثار خاک و گل را بر پیشانی حضرت دیدم "(بخاری،۱۴۲۲، ج۱،ص ۱۶۲،باب السجود علی الانف و نیز سنن ابی داود،۱۴۳۰، ج۲، ص ۱۷۹). حتی در حال باریدن باران و خیس شدن زمین باز هم پیامبر اکرم (ص)بر روی خاک سجده نمودند، آنهم به گونه‌ای که اثر آب و گل بر پیشانی حضرت باقی ماند.

در نسخه دیگر از روایت ابوسعید است که " بر پیشانی و بر نرمی بینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اثر گلی دیده می‌شد از نمازی که با مردم خوانده بود بجا مانده بود. ".(بخاری،۱۴۲۲،ج۱،ص ۶۲) گرچه این روایات الزام قرار دادن پیشانی را نمی رساند بلکه نشانگر این است که پیامبر (ص) این کار را انجام داده حاکی از اصل جواز آن است لیک مویدی است برای روایات دال بر لزوم که از ائمه امامیه نقل شده است.

۲- عمل صحابه در این مورد نیز حاکی از این است، که آنها هم لزوم مباشرت را از رفتار پیامبر" (ص)برداشت نموده‌اند و لذا سعی می کردند، پیشانی خود را بر زمین قرار دهند . نافع در این مورد می گوید : " این عمر وقتی سجده می کرد و عمامه بر سر داشت آن را بالا می داد تا پیشانیش را برزمین نهد " (بیهقی، ۱۴۲۲ج ۲،ص ۱۵۲) بر اساس این روایت، عمامه را برای این کنار می‌زده اند که پیشانی به زمین برسد و چیزی بین آندو فاصله ایجاد نکند، نه به خاطر این که همراه انسان است و نباید بر چیزی که همراه اوست سجده کند و این نکته را از جار و مجرور (حَتی یَضَعَ جَبهَتَهُ بِالاَرضِ" بوضوح می توان برداشت نمود .

۴. در روایت انس بن مالک نقل شده است که در شدت گرما پشت سر پیامبر اکرم (ص)نماز می گزاردی. آنگاه که شدت گرما زیاد بود و استطاعت قرار دادن پیشانی بر روی زمین نداشتیم، لباس خود را پهن نموده روی آن سجده می نمودیم.(ابوداود، ۱۴۳۰،ج ۲،ص ۱۴۴) زیرا لازمه این مطلب که وقتی بسیار داغ بود و نمی توانستیم بررزمین سجده کنیم، بر روی لباس سجده می کردیم این است که اصل و قانون اولیه سجده بر خود زمین بوده باشد و فقط در شرایط اضطراری به گونه ای دیگر اقدام گردد.

نسخه پیش از انتشار اولیه

۵- تمسک به اصل احتیاط چه این که در صورت سجده بر زمین علم به کفایت آن داریم، اما با وجود مانع شک در آن داریم و عقل می گوید: باید فراغ یقینی ایجاد کنیم (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج۱،ص ۳۵۷).

حل تعارض روایات

حال این سؤال مطرح است، که اگر وضع پیشانی بر زمین و یا آنچه از آن می‌روید و خوردنی یا پوشیدنی نیست، لازم بوده، پس به چه دلیل بر اساس بعضی روایات برخی از صحابه بر روی فرش و سجاده سجده نموده‌اند و پیامبر اکرم (ص)آنها را از این کار باز نداشته است؟

پاسخ این است که این روایات با روایات گوناگونی که دال بر اشتراط است، قابل جمع می‌باشند؛ زیرا در این روایات به جنس فرشی که برخی از مسلمانان بر آن سجده می کردند، اشاره‌ای نشده و لذا ممکن است آن فرش ها از حصیر و منسوجات دیگری از این قبیل باشد کما این که در روایات فراوانی آمده است که پیامبر اکرم (ص)برحصیر یا خمره که سجاده کوچکی ساخته شده از برگ نخل بود سجده می نموده است (نک. (اصبهانی، ۱۴۱۰ق ،ج۲،ص ۱۰۶ وص ۱۱۱ و ابی داود، ۱۴۳۰، ج۱،ص ۴۹۰) بنا بر این ، آنچه مورد سجده قرار می گرفته از جنس ما یصح السجود علیه تلقی می شود.

قرائن جمع عرفی بین روایات

برای تایید این احتمال دو مؤید وجود دارد .

۱. در آن زمان اغلب مردم بر روی بوریا و حصیر نماز می گزاردند و مساجد را با حصیر فرش می کردند که سجده بر آنها باتفاق صحیح است و پیامبر اکرم (ص)نیز بر حصیر سجده می نمود(اصبهانی، ۱۴۱۰ق ،ج۲،صص ۱۰۶و ۱۱۱) و نیازی به قرار دادن پیشانی بر خاک نبوده است.
۲. در روایات متعددی گزارش شده است که پیامبر اکرم (ص) بر روی حصیر ساخته شده از شاخه نخل نماز می گزارد یا بر ان سجده می نمود. مثلا انس می‌گوید: " پیامبر (ص)گاهی اوقات به دیدار ام سلیم می‌رفت و اتفاق می‌افتاد که وقت نماز شود. ایشان گاهی اوقات روی یک حصیر که ما با آب صافش می کردیم، نماز می‌خواندند."(ابی داود، ۱۴۳۰، ج۱،ص ۴۹۰) صحابه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نیز به تبعیت از آن حضرت، جز بر زمین بر چیز دیگری سجده نمی کردند. ابی عبیده در مورد ابن مسعود می گوید: " ابن مسعود نماز نمی‌خواند و سجده نمی کرد ؛ مگر بر زمین ... (نک.هیثمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۷).

نسخه پیش از انتشار اولیه استاد

سجده بر حصیر

سجده بر حصیر از نظر فقهی جایز است زیرا اولا؛ اینها روئیدنی از زمین هستند و لذا سجده بر آنها صحیح است . گذشته از این روایات فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم(ص) بر حصیر سجده می‌نموده‌اند، از قبیل روایتی که انس، ابن عباس و همسران پیامبر نقل کرده‌اند که : " پیامبر اکرم (ص)بر خمره سجده می نمود "(بیهقی، ۱۴۲۴،ج ۳،ص ۱۵۲) خمره حصیر کوچکی بوده، کوچکتر از سجاده که از نی یا الیاف خرما بافته می‌شده و بر آن سجده می‌نموده‌اند(نک. زبیدی، بیتا،ج ۱۱،ص ۲۱۳) . ابوسعید می‌گویند : " بر پیامبر (ص) وارد شدم در حالی که ایشان بر روی حصیر نماز می گزارد "(مسلم،بیتا، ج۱، ص ۴۵۸). (برای مطالعه بیشتر نک. سبحانی، ۱۳۸۳ش.ص ۳۷) امام صادق(ع) در مورد نسبت بین سجده بر زمین یا حصیر می‌فرماید : " سجده بر زمین فرض و بر حصیر سنت است " (حر عاملی، ۱۴۰۲،ج ۳،ص ۵۹۱).

سجده بر مهر

از یک سو بنا بر مستندات قطعی پیش گفته سجده گاه باید خود زمین باشد اعم از خاک، سنگ، کلوخ و یا آنچه از زمین می روید و سجده بر محصولات تولیدی بشری کافی نیست. از دیگر سوی منازل و مساجد و اغلب مکانهای نمازگزاری مفروش هستند و نمی توان در آنها از خاک و سنگ و... استفاده نمود پس مناسبترین راه این است، که قطعه‌ای از زمین را خواه خاک سفت شده باشد یا سنگ همراه خود داشته باشیم و پیشانی را بر آن نهیم. با این کار هم شرط زمین بودن سجده گاه رعایت شده و عملی ساده و ممکن است. از این روی شیعیان قطعه سنگ یا مشتی از خاک سفت شده را به نام مهر برای سجده استفاده می کنند. چیزی که مسبوق به سابقه است و در زمان صحابه پیامبر اکرم نیز اعمال می شده و نمی توان ان را بدعت و نوآوری در امور عبادی دانست. نقل شده است که مسروق بن الأجدع از صحابه پیامبر، چیزی شبیه مهر امروزی با خود حمل می‌کرد و در زمان مسافرت با کشتی بر آن سجده می کرد.(نک. ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۶،ص ۷۹) . رزین نیز می‌گوید" فرزند ابن عباس برایم نامه نوشت که قطعه ای از سنگ مروه برایش بفرستم تا بر آن سجده کند.(ارزقی، ۱۳۸۵،ج۲،ص ۱۵۱) .

نتیجه گیری

گرچه روایات وارد شده در خصوص چگونگی سجده گوناگون هستند، لیک روایات دال بر جواز سجده بر زمین خواه خود زمین باشد یا انچه روی آن قرار داد ه شده، از نظر سند و نیز دلالت ضعیف و مبتلی به معارض ند.روایات دال بر تفصیل یعنی بطلان سجده بر روی پارچه، گوشه عمامه و مانع نیز از دلالت تمام بر خوردار نمی باشند و به

نسخه پیش از انتشار اولیه

قرینه روایات اشتراط مباشرت حمل می شود بر بطلان به دلیل وجود مانع و نه به دلیل وجود مانع سیار. اما روایات قول سوم از حیث سند و نیز دلالت تمام است و قرائنی نیز بر تایید آنها وجود دارد. قرائنی مانند فلسفه و علت تشریع سجده که همان خضوع است. تبادر خود خاک از کلمه ارض و دقت و عملکرد پیامبر اکرم و نیز صحابه آن حضرت. بعلاوه در روایات منقول از سوی اهل بیت پیامبر اکرم دلایل متقن بر اعتبار این شرط وجود داردو احتیاط نیز موید آن است. بنا بر این مفاد روایات پیش گفته این است که سجده باید بر روی زمین باشد و هنگام سجده نباید چیزی بین پیشانی و زمین مانع باشد . حال آنچه بر آن سجده می‌کنیم، خواه خود زمین باشد، یا قطعه‌ای از آن و یا آنچه از زمین روییده و قابل انتقال است . البته هنگام سجده در مساجد و منازل که با فرشهای مصنوعی یا بافته شده از پشم حیوانات فرش شده‌اند، مناسبترین راه این است، که قطعه‌ای از زمین را خواه خاک باشد یا سنگ همراه خود داشته باشیم و پیشانی را بر آن نهیم . این که اغلب پیروان مکتب اهل بیت(ع) هنگام سجده پیشانی خود را بر قطعه خاکی که مهر نامیده می‌شود، می‌گذارند فقط برای رعایت این است که هنگام سجده بر قطعه ای از زمین سجده نمایند نه بر آنچه زمین نیست مانند فرش و .... این عمل نیز امری بدیع، حادث و جدید نمی‌باشد، بلکه حتی در صدر اسلام هم وجود داشته؛ چنان که خمره ای که پیامبر اکرم (ص) بر آن سجده می‌نموده‌اند، قطعه کوچکی از حصیر ساخته شده از نخل بوده است که روییدنی غیر مأکول یا ملبوس است .حضرت گاهی هم که آن حصیر در دسترس نبود مشتی ریگ را برای سجده استفاده می نمودند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن سعد، محمد (۱۴۰۵)، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعه و النشر.
۳. ابن قدامه، موفق‌الدین احمد (۱۳۸۸هـ)، المغنی ، مصر، مکتبة القاهرة.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰)، لسان العرب، بیروت : دارصادر .
۵. ابو داود،سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابو داود، ۱۴۳۰، ---، دار الرسالة العالمیه .
۶. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله (۱۳۸۵)، اخبار مکه و ماجاء فیها من الاثار، چاپ سوم، مکه المکرمه: مطابع دارالثقافه.
۷. اصبهانی، ابو نعیم احمد بن عبد الله، (۱۴۱۰ق) تاریخ اصبهان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۸. اصبهانی، ابو نعیم احمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، ۱۴۱۹ش، ریاض، دار الوطن للنشر
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، صحیح البخاری، --- : دار طوق النجاة.
۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد (۱۴۸۱)، السنن الکبری (ترجمه: یوسف عبدالرحمن المرعشی)، بیروت، دارالمعرفه.
۱۱. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۲۴)، السنن الکبری، الطبعة الثالثة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۲. جزیری، عبدالرحمن (بی‌تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، قاهره، مکتبه البخاریه الکبری.

نسخه پیش از انتشار آنلاین و در استه

۱۳. جصاص، ابی‌بکر احمد بن علی (۱۴۱۵)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العملیه.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۲)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح: عبدالرحمن الربانی الشیرازی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۶. حلبی، نجاح، (۱۴۰۶) ، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، بیجا، بینا.
۱۷. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال.
۱۸. خمینی، امام سید روح الله، (بیتا) تحریر الوسیله، قم، انتشارات قدس محمدی.
۱۹. خوانساری، سید احمد(۱۳۵۵ه)، جامع المدارک، تعلیق: علی اکبر غفاری، الطبعه الثانیه، تهران: مکتبه الصدوق،۱۳۵۵ هـ.
۲۰. دارقطنی، علی بن الدار (۱۲۸۶)، سنن دارقطنی، قاهره: دارالمحاسن للطباعه.
۲۱. دارمی، عبدالرحمن بن فضل (۱۳۹۸)، سنن دارمی، قاهره: دارالفکر.
۲۲. داوری، مسلم،(۱۴۰۳ش) ما یصح السجود علیه فی فقه اهل البیت، قم: دار زین العابدین.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. رملی، شهاب‌الدین (بی‌تا)، النهایة المحتاج الی شرح المنهاج، بیروت، دارالفکر.
۲۵. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی (بیتا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایه.
۲۶. سبحانی، جعفر و سید محمود هاشمی شاهرودی، (۱۳۸۳ش)، سجده برخاک در پرتو کتاب و سنت"، فقه اهل البیت، ۳۷.
۲۷. سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۹)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۲۸. سلیمانی، علی اکبر،(۱۳۹۷)، "ما یصح السجود از دیدگاه شیعه و اهل سنت"، کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، کرج.
۲۹. شافعی، محمد بن ادریس، الام، ۱۴۱۰، بیروت، دار المعرفت.
۳۰. شوکانی، محمد بن علی ،(بیتا) نیل الاوطاد فی شرح منتقی الاخبار، -- : شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البانی الحلبی.
۳۱. شیرازی، ابو اسحاق ابراهیم بن علی، المهذب فی فقه الامام شافعی، (بیتا) ، بیجا، دار الکتب العلمیة.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۳۳. طبرانی، ابی‌القاسم احمد (۱۴۰۵)، المعجم الکبیر، تحقیق: حمیدی عبدالمجید السیفی، بیروت: دارالمعرفه.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۹۸۸)، جامع البیان، بیروت: دارالفکر.
۳۵. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸)، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. طوسی، ابی‌جعفر محمد(۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیة، چاپ سوم، تهران، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۳۷. طوسی، ابی‌جعفر محمد، (بیتا) الخلاف، قم، موسسة النشر الاسلامی.
۳۸. قرطبی، ابی‌عبدالله محمد بن احمد انصاری (۱۳۸۷)، الجامع لاحکام القرآن، القاهره: دارالکتب العربیه.
۳۹. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بیتا)، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب،(۱۴۰۷ق) الکافی، تحفیف: عی اکبر آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

نسخه پیش از انتشار اولیه استفاده

۴۱. متقی هندی، عبدالرزاق (بی‌تا)، کنز العمال، بیروت، دارالفکر.
۴۲. محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقهی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۳. محمدی ریشهری، محمد (۱۳۷۶)، الصلاه فی الکتاب و السنه، قم، دارالحدیث.
۴۴. مغنیه، محمد جواد، (بیتا)، الفقه علی المذاهب الخمسة، بیجا، بینا.
۴۵. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. نسائی، ابی‌عبدالله (بی‌تا)، سنن نسائی (شرح: جلال‌الدین سیوطی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۷. نووی، محی‌الدین ، (بی‌تا)، المجموع شرح المهذب، جده، مکتبه الارشاد.
۴۸. هیثمی، نور الدین، مجمع الزاوید،(۱۴۱۲)، تحقیق : عبدالله محمد درویش، بیروت: دار الفکر.

نسخه پیش از انتشار (ناوردا)